



نگاهی به مناسبات تولید و مصرف در جامعه در گفت‌وگو با دکتر امان‌الله قرایی‌مقدم

## بدون خیلی از کالاها هم می‌توان زندگی خوبی داشت

■ ایلاجعفری



چه‌شد که مصرف‌گرایی در زندگی ما پیدا شد؟ مهمانی که دوست‌ست نداریم و مشکلات فراوانی در زمینه محیط‌زیست، آسیب‌های اجتماعی و غیره بر ای ما به وجود می‌آورد، چه شد که به زندگی ما مفر خوانده شد؟ از کجا آمد و مهمان دایمی کدام یک از ما شد؟ آیا مصرف بیشتر برای داشتن جامعه پیشرفته ضروری است؟ جمعیت چه نقشی در مصرف‌گرایی دارد؟ نقش زنان در مصرف‌گرایی جوامع چیست؟ برای کودکان امروز چه کاری می‌توانیم انجام بدهیم تا مصرف‌گرایان کمتری را راهی جامعه کنیم؟ هم‌اکنون چه الگوهایی نیاز داریم برای زندگی بهتر با مصرف‌گرایی کمتر؟ این‌ها پرسش‌هایی است که اساس گفت‌وگوی ما را با یکی از جامعه‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی کشور فراهم آورده‌است. گفت‌وگو با مارا با دکتر امان‌الله قرایی‌مقدم عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی و مؤلف چندین کتاب در زمینه‌های اجتماعی، می‌خی‌خوانید.

■ ■ ■

**مصرف‌گرایی از نگاه جامعه‌شناسانه چگونه بررسی می‌شود؟**

مصرف‌گرایی را می‌توان از چند بعد نگاه کرد. هم از بُعد منابع طبیعی می‌توان مصرف‌گرایی را مورد بررسی قرار داد، هم از بُعد صنعتی. نگاه جامعه‌شناسی به این دو متفاوت خواهد بود.

**لطفاً توضیح بدهید که تفاوت بین دو چیست و چگونه آن را بررسی می‌کنید؟**

ببینید متأسفانه در مورد منابع طبیعی ما در جهان محدودیت مواجه هستیم. با تحقیقاتی که سال‌ها پیش انجام شده‌است، گفته شده که آب یا قطعی مواجه خواهد شد. برای همین باید در مصرف آن نهایت دقت را داشت. کلوب روم در سال ۱۹۷۸ در روم با حضور اقتصاددانان و

جامعه‌شناسان بزرگ جهان درباره افزایش جمعیت دنیا

تشکیل شد. طی این کنفرانس به کشورها توصیه شده‌است که از مدیریتانه تا هند کمبود آب گریبان کشورها را خواهد گرفت و ضرورت استفاده محدود از منابع طبیعی تأکید شده‌است. از این‌رو مصرف‌گرایی درباره آب و منابع طبیعی مسئله‌ای جدی‌است که اگر رعایت نشود به راستی در آینده مشکل‌آفرین خواهد شد. هم‌اکنون لازم‌است مدیریبت به گونه‌ای باشد که به قول جامعه‌شناسان استفاده مطلوب از صنایع کمیاب مانند گاز، نفت و نظایر آنها داشته باشیم.

**مصرف‌گرایی در بعد صنعتی چطور؟**

در مورد مصرف‌گرایی از بعد صنعتی ما با دو گزینه مواجه هستیم. اینکه مصرف کالاها مصرفی از تولیدات داخلی باشند یا تولیدات خارج از کشور. سرمایه‌داری بیشتر به مصرف‌گرایی متکی‌است چون جانش به آن وابسته‌است. اگر سرمایه‌دار آنچه را که تولید می‌کند مورد استفاده قرار نگیرد، کارخانه می‌خوابد و کارگر بیکار می‌شود.

**بنابراین ششما مصرف‌گرایی را در جامعه تأیید می‌کنید؟**

اگر از منظر جامعه‌شناسانه به مصرف‌گرایی نگاه کنیم شاید این درست باشد که بگوییم مصرف کالاها آن هم، کالاهایی که در داخل کشور تولید شده‌است، خوب است و باعث می‌شود در جامعه همه افراد سر کار باشند، کارگران و بسیاری دیگر که در چرخه تولید نقش دارند مشغول به کار می‌شوند و بیرون آمار از دواج در جامعه بالا می‌رود و به طور کلی شرایط مطلوب‌تر و بهتری برای زندگی افراد در جامعه پیدا می‌شود. البته اسراف به طور کلی خوب نیست، ولی اگر مصرف که تأکید می‌کنم از نوع تولیدات داخلی آن نباشد، هزار جور مشکل پیش خواهد آمد. اما یک نکته بسیار مهم وجود

دارد و آن اینکه اگر قرار باشد سود مصرف مردم در جیب کشورهای دیگر برود طبیعی‌است که شرایط مطلوب‌تری که اشاره شد، نصیب کشورهای دیگر هم خواهد شد. در این صورت نه تنها مصرف‌گرایی خوب نیست که ضراتش هم در جامعه خودش را در قالب بیکاری‌ها، پایین آمدن آمار از دواج و... نشان خواهد داد.

**بنابراین نگاه «تولید بیشتر هم ضروری**

**است» درست است؟**

**مصرف تولیدات داخلی همان قدر که خوب است باعث آلودگی‌های زیست‌محیطی و پیامدهای زیستی بسیاری نیز خواهد شد که شاید سال‌ها بعد حتی گریبان نسل‌های آینده را بگیرد. از نظر جامعه‌شناسی ما چه کاری می‌توانیم انجام بدهیم که به طور کلی مصرف‌گرایی را در جامعه پایین بیاوریم و از سوی دیگر بیکاری و بسیاری از مشکلاتی را که در اثر آن به وجود می‌آید، از جامعه دور کنیم؟**

نخست و بسیار مهم‌تر از هر راهی این است که جمعیت به حد متناسب باشد. یعنی جمعیت به اندازه‌ای باشد که تأمین اجتماعی، رفاهی، و غیره برای آن بتوان فراهم کرد. برای جمعیت چهار نظریه وجود دارد که نخست آن ثابت جمعیت است که افلاطون گفت باید میزان مشخصی داشته باشد. در نظریه دوم می‌توان نظر به ادیان را در نظر گرفت که بر باروری و زیاد شدن امت‌ها تأکید دارند. سومین مورد نظریه رابرت ماتلوس اقتصاددان بزرگ انگلیسی‌است که حدود ۱۰۰ سال پیش با بیان نظراتش مخالفت ادیان را به جان گرفت:

**چرا حال زمین را درک نمی‌کنیم؟**

### احترام به زمین، احترام به زندگی است

به طور مثال ممکن است همه ما خوب بدانیم که مصرف پلاستیک زمین و محیط‌زیست را آلوده می‌کند. ممکن است پای هر پستی هم که در این‌باره می‌بینیم، لایکی بزنیم و تأییدش کنیم. اما همین ما که خودمان را مدافع نگهداری و حفظ زمین می‌دانیم، در زندگی شخصی خود یکی از مصرف‌کنندگان بیش از حد پلاستیک باشیم. ممکن‌است از پادری سررویس بهداشتی گرفته تا بسیاری از ظروف آشپزخانه‌یمان از پلاستیک ساخته شده باشد. ممکن‌است هنگام آمدن مهمان برای راحتی خود از ظرف‌های یکبار مصرف استفاده می‌کنیم. ممکن‌است با استفاده بیش از حد از مواد شوینده مواد شیمیایی بسیاری را روزانه یا هفتگی و... روانه چاه فاضلاب خانه و



## سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

سبک مصرف



**آیا دقت می‌کنیم چقدر زباله می‌سازیم؟**

### آشغال‌هایت را نگاه‌کن!

آنچه که در کارخانه‌ها تولید می‌شود، جذابیت هر یک از آنها ممکن‌است آنقدر زیاد باشد که ما را یک راست و بی‌تکی درباره‌اش کمی فکر کنیم به نسوی خود بکشانند. ما می‌رویم به سراغ خریدن چیزهایی که خوشمان می‌آید. شاید کمی هم به عاقبت کارمان فکر نکنیم. فقط می‌دانیم که الان دوست داریم آن چیزها را بخریم، پس می‌خریم. شاید هم اسم نیاز را رویش بگذاریم تا بار احساسی هم به آن بدهیم و دست‌کم خودمان، خودمان را زیر سؤال نبریم که‌هی! فلائی تو اصلا معلوم هست که چه اتفاقی برایت افتاده‌است؟

شاید یک روز به خود بیاییم و ببینیم که همه چیز زندگی‌مان را از خوردن گرفته تا لباس تن و... همه چیز را آماده تهیه می‌کنیم. حتی ممکن‌است خیلی وقت‌ها خوراک روزانه‌مان را هم از ستوران‌ها یا به صورت آماده و کنسروی تهیه کنیم و حتی به خود زحمت تهیه آن را هم ندهیم، در حالی که شاید وقت کافی هم برای درست کردنش داشته باشیم ولی ساعت‌ها رویه روی تلویزیون لم داده و پشت هم سریال ببینیم.

زندگی ما با مصرف خو گرفته‌است چه به صورت منفی و چه مثبت آن، چه کم و چه زیاد. شاید بد نباشد یک شب کاری کنیم که کمی تمیز نیست. شاید بد نباشد یک شب این کار را که کمی مشمژ کننده‌است انجام دهیم تا متوجه

رفقار قدیمی‌ترها هم بشویم. یک شب یک لگن بزرگ بر داریم. هر آنچه زباله از صبح درون سطل خا کردیم ریخته‌ایم، خالی کنیم درونش. از این پیشنهاد تعجب نکنید. طوری نمی‌شود. بالا دست‌وش این است که چیزی دستگیرمان نمی‌شود و دوباره آشغال‌ها را برمی‌گردانیم درون سطل.

ولی چند دقیقه‌ای به آنچه تولید کرده‌ایم خوب نگاه کنیم. برخی ممکن‌است درست رفتار کرده و زباله‌های خشک و تر را از هم جدا کنند، ولی برخی دیگر همه را با هم می‌ریزند درون سطل. هر گونه که آنها را جمع‌آوری می‌کنیم، در این کار تفاوتی نمی‌کند، مهم این است که بشنیم و تک‌تکنشان را ببینیم. غیر از چیزهایی که ممکن‌است تلف کرده باشیم مانند لیوان مرتب در حال نو شدن است. مبلمانی که چند وقت یک بار باید عوض شود و سری جدیدی جایگزینش شود، لوسترهایی که چند وقت یکبار جایش را به جدیدتری می‌دهد یا گلدان‌های خشک و پژمرده‌ای که با این‌ها همه نشنان از مصرف متعادل دارد؟

هر بار که در کدام‌پاش یکی از این اقدامات را در زندگی‌مان انجام می‌دهیم، ممکن‌است که آن نیرویی از درون به ما بگوید که چرا اینقدر حواست به عوض کردن این‌هاست؟ شاید هم ندایی از درون به ما بگوید: گناه دارد این درستش نیست که چند وقت یکبار این همه وسیله و اثاث را می‌ریزی بیرون از خانه، چون هم سالم هستند و هم زیبا. یا اینکه این همه وسیله واقعا در زندگی تو ضرور دارد؟ ولی شاید یک آن بیشتر این تجواهرات نشویم و دل هم به شنیدنش نسپاریم! چون تمام فکر و ذکر و حواسمان به این است که زودتر وسایل تازه‌ای را که دوست داریم به زندگی بیاوریم یا اینکه قبلی‌ها را از زندگی‌مان بگذاریم بیرون و این قسه تنها به تعویض وسایل و لوازم زندگی ختم نمی‌شود. هر روز نگاهمان به تولیداتی است که برای مصرف روزانه ما صورت می‌گیرد. انواع کنسروها، انواع خوراکی‌ها و غذاهای آماده و هر چیز که همیشه در اختیار ماست.

شاید بوی آزار دهنده‌ای از لگن به مشامتان برسد و آزارتان بدهد، با اینکه تنها چند ساعت از به وجود آمدن آنها گذشته‌است. زباله‌ها قرار است از خانه برود بیرون و راهی محل‌هایی شود که مخصوص نگهداری و بازیافت یا از بین بردنشان است. ولی این‌ها خود به خود جایی نخواهد رفت مگر به دست عده‌ای از افراد که مسئول انتقال آنها هستند، پس نسته‌ایم کنار چیزی که همیشه کم نیست. شاید با این تمرینات با رفتارهایی که شما بهتر یش را پیشنهاد بدهید، بسا نتیجه کار خودمان بهتر مواجه شویم. به نظر می‌رسد لازم‌است با طریقی، نتیجه مصرف خودمان را با چشم ببینیم که تصمیمات بهتری هم برای روش زندگی کردنمان بگیریم.

با فرهنگسازی می‌توانیم! این باور را به مردم بدهیم که مصرف خیلی از کالاها غیر ضروری است و می‌توانیم بدون مصرف‌گرایی هم زندگی خوبی داشته باشیم. همین گرانی‌ها با تمام سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی مردم ایجاد کرد، ولی این مزیت را داشت که مردم کمتر وسایل غیر ضروری برای زندگی خود تهیه کنند. هم‌اکنون این تغییر که در اثر سختی بر جامعه وارد شد، یک تغییر مثبت است، هر چند که فشار زیادی را به مردم وارد کرد

سر سفره طبیعت خداوند قاشق و چنگال اضافه نگذاشته است، غذا با تصاعد حسابی بالا می‌رود و جمعیت با تصاعد هندسی. یعنی غذا در جهان محدود‌است. مورد چهارم نیز تئوری حد تناسب جمعیت‌است به این معنی که در حدتوان، جمعیت داشته باشیم. بنابراین اینکه جمعیت متناسب داشته باشیم و فرهنگ اسراف نکر دن را ترویج دهیم از ضروریات داشتن جمع‌های پیشرفته‌است.

**با توجه به مواردی که گفته شد، چگونه می‌توان این انگیزه را به مردم داد که بدون مصرف زیاد و به عبارتی بدون افتادن به روت مصرف‌گرایی، خوشحال و شاد و راحت زندگی کنند؟**

با فرهنگسازی می‌توانیم این باور را به مردم بدهیم که مصرف خیلی از کالاها غیر ضروری است و می‌توانیم بدون مصرف‌گرایی هم زندگی خوبی داشته باشیم. همین گرانی‌ها با تمام سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی مردم ایجاد کرد، ولی این مزیت را داشت که مردم کمتر وسایل غیر ضروری برای زندگی خود تهیه کنند. هم‌اکنون این تغییر که در اثر سختی بر جامعه وارد شد، یک تغییر مثبت است. هر چند که فشار زیادی را به مردم وارد کرد.

**این فرهنگسازی را از چه طریق مؤثر می‌دانید؟**

از طریق آموزش نمودن آن را می‌شود در زندگی‌ها به خوبی دید. به طور مثال اگر نسل کنونی بچه کمتری دارند در اثر آموزش و پرورش است که پیدا کرده‌اند. اگر نه در نسل‌های گذشته، هر خانواده معمولاً صاحب چند فرزند و پر جمعیت بودند. برای همین هم‌اکنون کشور ما براساس تنظیم خانواده و دروسی که افراد را بسا آنها آموزش داده‌است، جمعیت متناسبی دارد. هیچ چیزی به اندازه آموزش مؤثر نیست. نقش زنان را نیز در این‌باره نباید از نظر دور داشت. زنان نقش اساسی و مهمی در فرهنگسازی‌ها دارند، چون خانواده معمولاً در دامن زن پرورش پیدا می‌کند. همچنین آموزش و پرورش باید از کتاب‌های درسی فرهنگسازی را پیاده کند. درس‌هایی که امروز در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، زمینه‌ساز جامعه فر‌دا خواهد شد.



زندگی ما با مصرف خو گرفته‌است چه به صورت منفی و چه مثبت آن، چه کم و چه زیاد. ششاید بد نباشد یک شب کاری کنیم که کمی تمیز نیست. ششاید بد نباشد یک شب این کار را که کمی مشمژ کننده‌است انجام دهیم تا متوجه ر رفتار قدیمی‌ترها هم بشویم. یک شب یک لگن بزرگ بر داریم. هر آنچه زباله از صبح درون سطل خا کردیم ریخته‌ایم، خالی کنیم درونش. از این پیشنهاد تعجب نکنید